



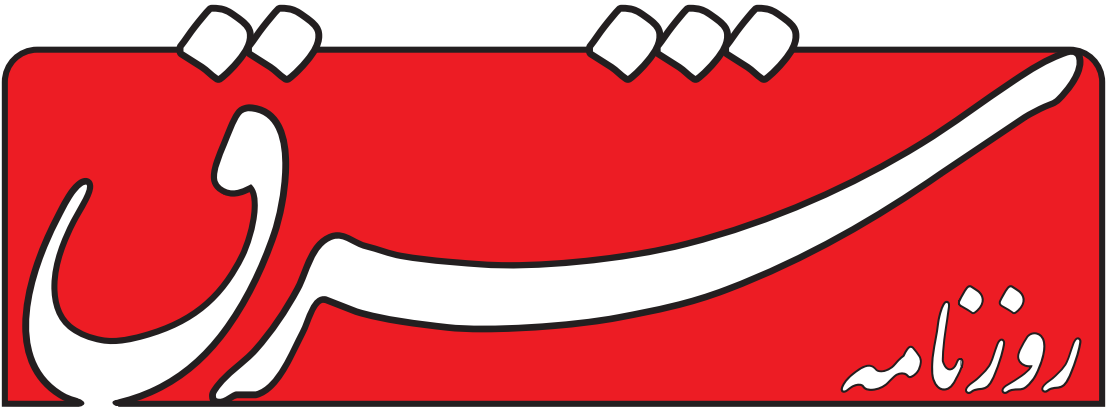
جهانگیری:

بگذاریم کاندیداهای همه جریان‌ها در انتخابات حضور داشته باشند

گروه سیاست: معاون اول رئیس‌جمهور در همایش سراسری و سومین مجمع عمومی خانه مطبوعات و رسانه‌های کشور، با تأکید بر اینکه دولت هیچ‌گاه نمی‌خواهد مطبوعات بلندگوی تبلیغاتی او باشند بلکه اتفاقاً می‌خواهد که رسانه‌ها...

صفحه ۲

شنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۸ | ۱۳ صفر ۱۴۴۱ | ۱۲ اکتبر ۲۰۱۹



روزنامه

درخواست الویری از قوه قضائیه:

اعضای شوراهای شهر را پیش از حکم قطعی تعلیق نکنید

گروه سیاست: الویری رئیس شورای عالی استان‌ها در بیست‌وسومین اجلاس عمومی این شورا که پیش از ظهر پنجشنبه با حضور معاون اول قوه قضائیه در ساختمان قدیم مجلس شورای اسلامی برگزار شد، اظهار کرده است...

صفحه ۲

سال هفدهم | شماره ۳۵۴۷ | ۱۶ صفحه | ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

دولت شکننده و جامعه قدرتمند*

احمد غلامی . سردبیر



دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی را با دو نظریه می‌توان تشریح و تبیین کرد: دولت‌سازندگی هاشمی‌رفسنجانی، اصلاحات خاتمی، مهرپوزی احمدی‌نژاد و تدبیر و امید روحانی. معمولاً مطرح‌شدن نظریه‌ها قبل از تأسیس دولت‌ها صورت می‌گیرد تا نهادهای و سازمان‌های ذیل این نظریه هدایت و راهبردی شوند. به‌کارگیری نظریه‌ها و تبیین آن برای مردم، انتظارات و مطالبات آنان را از دولت منطقی کرده و از ابهام در عملکرد آن می‌کاهد. دولت‌سازندگی به شیوه‌ای غریزی با نظریه «داگلاس نورث» یا گرفت. در این نظریه جوامع را می‌توان به دو دسته جوامع با دسترسی محدود به حقوق و مالکیت و قانون و جوامع با دسترسی همگانی به قانون تعریف کرد. از نگاه داگلاس نورث، جوامع محدود باید مراحل مختلفی را سپری کنند و آن‌گاه به جامعه نوع دوم دست یابند. هاشمی‌رفسنجانی در شرایط مطلوبی روی کار آمد. او به دلایل متعددی ازجمله اینکه یکی از بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی بود، توانست شیوه اداره جامعه بعد از جنگ ایران را که در آن دوره تقریباً به شیوه دولت رفاه اداره می‌شد، تغییر دهد و به سوی توسعه، آن‌هم توسعه به شیوه جوامع با دسترسی محدود سوق دهد. هاشمی‌رفسنجانی برای آنکه اقداماتش با سهولت انجام گیرد و به موانعی جدی برخورد نکند، گروه‌ها و نهادهای رسمی قدرت را وارد راهبردهای توسعه‌ای خود کرد. به معنای دیگر او صاحبان قدرت‌های علنی و پنهانی در جامعه را که توانایی اثرگذاری در پیشبرد و اخلاص در توسعه اقتصادی دولت او را داشتند، در پروژه‌های اقتصادی سهمید کرد. این راهبرد که برنامه مدونی برای آن وجود نداشت، راهبرد «توزیع رانت مولد» در میان صاحبان قدرت بود که هاشمی‌رفسنجانی امید داشت بدون مشارکت مردم تغییری جدی در اقتصاد ایجاد کند. دولت‌سازندگی بیش از هر دولت دیگر بعد از انقلاب دولت‌محور بود. از همین‌جا می‌توانیم نقبی به نظریه دومی بزنیم که در سیاست داخلی نقش مؤثری داشته است: «جونل میگردال» صاحب نظریه «دولت‌های ضعیف و جامعه قدرتمند» است. در این بخش ابتدا بیش از پرداختن به این نظریه با انتقاد او از تعریف دولت از سوی ماکس وبر سروکار داریم. میگردال باور دارد که در تعریف سلطه و تغییر باید تجدیدنظری جدی کرد. نگاه ماکس وبر، به‌ویژه حامیان او که قرائت‌های افراطی از نظریاتش دارند، در تعریف دولت، تعریف جامعی نیست: «سلطه و تغییر بارها به‌عنوان بخشی از فرایندی که دولت نقطه اتکای آن بوده است، مورد تحلیل قرار گرفته است. براساس این استدلال می‌شود که دولت مدرن از طریق قانون، دیوان‌سالاری، خشونت و دیگر ابزار، رفتار مردم و در سطح وسیع‌تری نوع تعریف مردم از هویت‌شان را تغییر داده است». با تسامح می‌توان گفت به استثنای دولت اصلاحات، دیگر دولت‌های بعد از انقلاب باور داشته‌اند که می‌توان از طریق قدرت دولت دست به تغییرات دامنه‌داری بدون مشارکت مردم زد. دولت هاشمی‌رفسنجانی به تکنوکرات‌هایی باور داشت که در حمایت حداقلی مردم، سرنوشت حداکثری آنان را تغییر داده و به آنها جهت خواهد داد. دولت‌سازندگی به شیوه غریزی نظریات داگلاس نورث را به کار گرفت و درست از همان جایی شکست خورد که میگردال در انتقاد از نظریه‌پردازان دولت‌گرا می‌گوید: «اما دیدگاه من درباره سازوکار درونی سلطه و تغییر با این اصل اولیه شروع شد که هیچ قواعد واحد و یکپارچه‌ای در هیچ‌جا وجود ندارد، خواه در قالب قوانین دولتی، خواه قواعد مندرج در متون مذهبی و خواه قواعد مورد احترام مندرج در آداب و رسوم روزمره مردم. در هیچ جامعه‌ای برای هدایت زندگی مردم هیچ قاعده بلامنازعی در قانون، مذهب یا هر نهاد دیگری وجود ندارد. مدل دولت در جامعه بر تعاملات منازعه‌آمیز مراکز رسمی و غیررسمی گوناگون متولی هدایت مردم تأکید دارد؛ مراکز که تلاش می‌کنند رفتارشان به الگوی گروه‌های مختلف جامعه تبدیل شود». دولت‌سازندگی مصداق دولت قوی و جامعه‌ای ضعیف بود؛ جامعه‌ای که برای رهایی از انفعال، یک‌صدا وارد کود شد و دولت اصلاحات را به وجود آورد؛ اما مشکل راهبردی دولت‌سازندگی این نبود. دولت هاشمی از جایی ضربه خورد که به شیوه‌ای غریزی آموزه‌های داگلاس نورث را راهبردی کرد. اگر تکنوکرات‌های دولت‌سازندگی انتقادات نورث به جوامع با دسترسی محدود به حقوق و مالکیت و قانون را جدی می‌گرفتند و در رسیدن به جوامع با دسترسی همگانی به قانون شتاب نمی‌کردند، شاید اثرگذاری بیشتری در سیر تحولات اقتصادی و سیاسی ایران داشتند:

ادامه در صفحه ۲

مرتضی مبلغ در گفت‌وگو با «شرق» به شورای نگهبان پیشنهاد داد

ارزیابی نتیجه نظارت استصوابی

صفحه ۶



ادامه واکنش‌ها به سخنان رئیس‌جمهور درباره نظارت استصوابی

کدام ۲۸ نفر؟

رسایی: اعضای حزب توده در مجلس اول ردصلاحیت شده بودند

صفحه ۲

یادداشت

کیمیایران امروز

ارتباط‌ها برای دوست هم‌کلاسی، نوعی کیمیایری است! فرد سوم، کارمندی با استعداد، سخت‌کوش و وظیفه‌شناس در یک سازمان دولتی است که تلاش می‌کند در سایه سخت‌کوشی خود ارتقای شغلی بیابد و در موقعیتی بهتر قرار بگیرد. بااین‌حال، او هم به در بسته می‌خورد؛ زیرا موقعیت شغلی بهتر و «مرغوب‌تر» مال افراد خاصی است که از ارتباط‌ها و مناسبات خاصی برخوردار هستند. این فرد هم به‌گونه‌ای با چنین پیامی روبه‌رو می‌شود که کیمیای واقعی ایجاد ارتباط‌های «سازنده» با کانون‌های بیرونی است نه سخت‌کوشی، امانت‌داری و وظیفه‌شناسی. او نیز مثل افراد موفق جامعه می‌توانست به‌جای هدر دادن توان و وقت خود برای کسب تجربه و فراهم‌کردن اسباب بزرگی، به کیمیای واقعی پرداخته و با رنج و زحمت به‌مراتب کمتری بر مسند مدیریت و ریاست تکیه بزند. آن‌دیگری فعالی اقتصادی است که با استفاده از سرمایه گردآمده در چندین نسل، تجارتی راه انداخته و با اتکا به هوش، استعداد و تجربه خود، مشغول کسب‌وکار خانوادگی است، اما پس از مدتی متوجه می‌شود بازرگان رقیب او بدون داشتن دارایی موروثی و با کمترین تلاش و زحمت و صرفاً در سایه ارتباطات رانته، به چنان مکتبی رسیده که تمام دارایی خانوادگی او برایش حکم «پول خرد» را دارد. اینجا هم این فعال اقتصادی همان پیام پرمعنی را دریافت می‌کند که او و پیشینیانش عمر خود را بیهوده در طلب کیمیای تلف کرده و از کیمیای واقعی که همانا مناسبات رانته است، غافل مانده‌اند. گسترش مناسبات رانته در جامعه، علامتی خاص به همه شهروندان می‌دهد؛ اینکه لازم نیست برای کسب ثروت و مکت خود را به زحمت بیندازند و فقط کافی است راه پیشرفت را بلد باشند و با ایجاد ارتباطات، به خواسته خود برسند. برای بررسی درستی یا نادرستی این ادعا، فقط باید به بررسی کارنامه کلان‌سرمایه‌دارانی که بخش عمده دارایی خود را در سال‌های اخیر به دست آورده‌اند، پرداخت و این نکته که چند درصد از چنین دارایی‌هایی منشأ اثرنی خانوادگی دارد.

ادامه در صفحه ۱۳

انا لله وانا اليه راجعون

ضمن سپاس از الطاف همه سروران گرامی، به اطلاع می‌رساند

مجلس ترحیم پدر عزیزمان، **زنده‌یاد سیدابوالحسن محقق (بزرگ‌خاندان)**

روز یکشنبه ۲۱ مهرماه از ساعت ۱۶ الی ۱۷:۳۰

در مسجد نور تهران واقع در میدان فاطمی برگزار می‌شود.

سیدعلی محقق — سیدصدرالحق



ناصر ذاکری پژوهشگر

می‌گویند رازی، دانشمند بزرگ، در ابتدای کار در جست‌وجوی کیمیا بود. پس از مدتی گرفتار بیماری شد و ناگزیر از مراجعه به پزشک. پزشک دستمزدی کلان از او مطالبه کرد و به او گفت کیمیا همین دانش پزشکی است نه آنچه تو در طلب آن عمرت را تباه کرده‌ای. همین جمله باعث شد رازی بزرگ مسیر پژوهش‌های خود را تغییر داده و به‌جای جست‌وجوی بی‌حاصل کیمیا، به کیمیای واقعی دست بزند. امروز مشابه همین صحنه حیرت‌رازی از کیمیای واقعی طبیب و طعنه او به بیمارش، به اشکال مختلف در جامعه مشاهده می‌شود. تصور کنید فردی از جمع نخبگان جامعه، سال‌ها از عمر و جوانی خود را صرف کسب علم می‌کند و با دریافت مدارک علمی معتبر از بهترین دانشگاه‌های جهان، با انگیزه خدمت به کشورش بازمی‌گردد اما برای او فرصت همکاری با دانشگاه فراهم نمی‌شود؛ زیرا همه کرسی‌های تدریس قیلاً پر شده‌اند و جای خالی برای او وجود ندارد. او با بررسی بیشتر متوجه می‌شود مثلاً فلان فرد با کمترین حد تخصص و توان علمی و صرفاً به دلیل وابستگی سیاسی یا خانوادگی، بر کرسی تدریس نشسته و با اشاره به موقعیت خانوادگی خود و ارتباطاتش، به او می‌گوید کیمیا همین است نه آنچه تو در یافتن آن خودت را گرفتار رنج و زحمت کرده‌ای! فرد دیگری با رنج بسیار خود را آماده شرکت در کنکور کرده و آرزوی قبول‌شدن در رشته مورد علاقه‌اش را دارد، اما با وجود شایستگی از ورود به دانشگاه بازمی‌ماند. بعدها متوجه می‌شود بخش مهم ظرفیت رشته مورد علاقه‌اش از طریق انواع سهمیه‌ها پر شده است و هم‌کلاسی سابق او که از نظر صلاحیت علمی به گرد پایش هم نمی‌رسید، بدون هیچ دردسری پذیرفته شده و مشغول کسب علم است! این

جهان‌بینی اجلاس‌های مجاهدان در غربت

المؤتمر الدولي الرابع للمجاهدين في الغربة

الموقع: مركز جامعة دامغان الدولي للمؤتمرات التاريخ: ۲۹ صفر ۱۴۴۱

زمان: ششم آبان‌ماه هم‌زمان با شب شهادت غریب الغریاء امام علی بن موسی الرضا علیه السلام ساعت ۱۸ مکان: دامغان | مرکز همایش‌های بین‌المللی دانشگاه دامغان همراه با پخش مستقیم از شبکه‌های سه، قرآن، الفق و شبکه‌های پروژن مرزی و رادیو ایران

The fourth International Convention of Expatriate Mujahideen

Venue: University of Damghan International Conference Center Date: 29 October 2019

